

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه ارومیه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

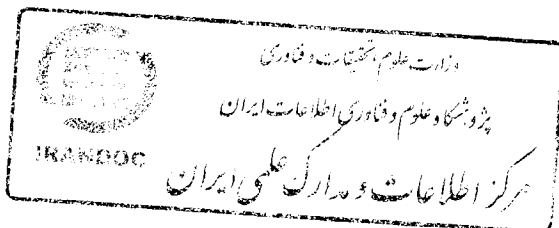
بررسی عناصر داستانی رمان «آتش، بدون دود» اثر نادر ابراهیمی

استاد راهنما:

دکتر-محمد حسین خانمحمدی

دانشجو:

شمسی زاهدی صومعه



۱۳۸۸

۱۴۸۸۸۶



دانشگاه ارومیه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه بررکات اسامی ببرک زرد زار در امرا - مجامع به تاریخ ۸۸، ۱۲، ۱۵ شماره

مورد پذیرش هیأت محترم داوران با رتبه عالی و نمره ۱۸

قرار گرفت.

۱- استاد راهنما و رئیس هیأت داوران: دکتر حاجی مصدق

۲- استاد مشاور: —

۳- داور خارجی: دکتر عبیدی نیا

۴- داور داخلی: دکتر کوشس

۵- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر تربت

تقدیم به:

روان پاک پدرم که در بهاران کوچید

و

مادرم که مهربانی و صبوری اش بال های پروازم شد

و

همسرم که با همدلی، صادقانه مرا در بیمودن این راه یآوری نمود

و

نهال های باغ زندگی ام:

صدرا - که علاقه اش به داستان انگیزه ی پژوهشم بود

و

سارا - که در طول پژوهش همراهی ام نمود.

بسمه تعالی

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ

سپاس می گزارم خدایی را که جان را به گوهر اندیشه آراست
و آدمی را به نور هدایت خود از تاریکی های جهل و گمراهی رهانید.

بر خود فرض می دانم که مراتب امتنان و سپاس خود را از استاد فرزانه جناب
آقای دکتر محمد حسین خانمحمدی که افتخار قبول راهنمایی این رساله را به بنده
ارزانی داشته اند، به خاطر رهنمودهای ارزنده ی ایشان برای رفع کاستی ها و بهبود
کار رساله ابراز نمایم.

از عنایت و توجه اساتید محترم داور: آقای دکتر کوشش مدیر محترم گروه ادبیات
و آقای دکتر عبیدی نیا- که در طول تحصیل نیز از خرمن دانش هر دو استاد بهره مند
گشته ام- به مطالعه ی این رساله و ارائه ی رهنمودهای لازم سپاسگزارم.
از دیگر اساتید فرهیخته و جلیل القدر گروه زبان و ادبیات فارسی، خانم دکتر
مدرسی و آقایان دکتر تولایی، دکتر طالعی، دکتر طلوعی آذر، دکتر مظفری و دکتر نظریانی
که در طول تحصیل در محضرشان کسب علم نموده ام، تشکر و قدردانی می نمایم.
از زحمات بی دریغ خواهر عزیزم پروین نیز بی نهایت سپاسگزارم

فهرست

۱.....	چکیده ی پایان نامه.....
۲.....	تعریف مسأله.....
۳.....	مقدمه.....

فصل اوّل: زندگی نامه ی نادر ابراهیمی

۶.....	خانه ی پدری.....
۶.....	نوجوانی و جوانی.....
۷.....	ابراهیمی و مشاغل مختلف.....
۸.....	قصه نویسی برای کودکان.....
۹.....	خوانندگی و ترانه سرایی ابراهیمی.....
۹.....	ابراهیمی و انقلاب.....
۹.....	مشاغل بعد از سال ۵۷.....
۹.....	چگونگی ادامه ی نگارش آتش بدون دود.....
۱۰.....	فروش نرفتن کتاب.....
۱۰.....	نویسنده ی دوره گرد.....
۱۱.....	پایان زندگی نویسنده.....
۱۱.....	مشاغلی در عرصه فیلمسازی.....
۱۲.....	معرفی آثار نادر ابراهیمی.....

فصل دوّم: درباره ی داستان

۲۱.....	تعریف داستان.....
۲۱.....	داستان در مفهوم عام و خاص.....
۲۳.....	اهمیت داستان.....
۲۳.....	تعریف قصّه.....
۲۴.....	هدف قصّه ها.....
۲۴.....	مختصات قصه ها.....
۲۵.....	تعریف داستان کوتاه.....
۲۵.....	ویژگی های داستان کوتاه.....
۲۶.....	داستان بلند یا رمان کوتاه.....
۲۶.....	داستانک.....
۲۷.....	معانی رمانس.....
۲۷.....	تعریف رمانس.....
۲۷.....	رمان چیست.....
۲۸.....	رمان در معنای عام و خاص.....
۲۹.....	تفاوت رمانس با رمان.....
۲۹.....	تفاوت داستان کوتاه با رمان.....
۳۰.....	تشابه داستان کوتاه با رمان.....

۳۰	ویژگی های رمان
۳۱	تقسیم بندی رمان
۳۱	انواع رمان به لحاظ محتوا
۳۵	انواع رمان از نظر ساخت

فصل سوم: تاریخچه ی داستان نویسی

۳۶	پیشینه ی قصه نویسی در جهان
۳۶	تاریخچه ی رمانس در اروپا
۳۶	رمانس دوران باستان
۳۷	رمانس در قرون وسطی
۳۷	انواع رمانس قرون وسطایی
۳۷	رمانس در عصر رنسانس
۳۸	ویژگی رمانس پیکارسک
۳۸	پیدایش رمان در غرب
۳۸	اولین رمان های حادثه و شخصیت
۳۹	رمان سنتی
۳۹	رمان مدرن
۳۹	رمان نو
۳۹	ویژگی های رمان نو
۴۰	رمان پست مدرن
۴۰	ویژگی های رمان پست مدرن
۴۱	قدمت قصه در ایران
۴۱	پیشینه ی رمانس در ایران
۴۱	پیدایش رمان در ایران (از نخستین تلاش ها تا ۱۳۲۰)
۴۱	نخستین طلیعه ی رمان ایرانی
۴۲	ساختار سفرنامه ای اولین رمان ها
۴۲	عوامل پیدایش رمان در ایران
۴۳	پیدایش رمان تاریخی
۴۳	علل گرایش به رمان تاریخی
۴۴	اولین رمان های تاریخی
۴۴	علل افول رمان تاریخی
۴۴	پیدایش رمان اجتماعی
۴۴	موضوعات مطرح در رمان اجتماعی
۴۵	سیاحت نامه ی ابراهیم بیگ مقدمه ی ظهور رمان اجتماعی
۴۵	ویژگی رمان نهران مخوف
۴۵	ویژگی کلی اولین رمان های اجتماعی اولیه
۴۵	رمان های اجتماعی پس از نهران مخوف
۴۶	علل ناکامی رمان های اولیه
۴۶	داستان نویسی از (۱۳۲۲-۱۳۲۰)
۴۶	ادبیات حزبی
۴۶	ادبیات بازاری

۴۷	ادبیات واقع گرایانه.....
۴۷	داستان نویسی از (۱۳۴۰-۱۳۳۲).....
۴۷	پاورقی نویسی.....
۴۸	داستان های تاریخی.....
۴۸	داستان های واقع گرا.....
۴۸	سوررنالیسم.....
۴۸	رمانتیسیم.....
۴۹	افسانه های اجتماعی.....
۴۹	داستان های اسطوره ای.....
۴۹	رمانتیسیم تیره اندیش.....
۴۹	داستان های لذت گرا.....
۴۹	داستان نویسی از (۱۳۴۰-۱۳۵۷).....
۴۹	ادبیات جستجوگر.....
۵۰	جاذبه های داستان نویسی و زنان نویسنده.....
۵۰	دهه ی ۴۰ دهه ی رمان.....
۵۰	نویسندگان مطرح این دوره.....
۵۱	کانون نویسندگان ایران.....
۵۱	ادبیات رمز گرا.....
۵۱	داستان نویسی از سال ۱۳۵۷ تاکنون.....
۵۱	داستان انقلاب.....
۵۲	داستان جنگ.....
۵۲	ادبیات دهه ی هفتاد یا ادبیات پست مدرنیست.....
۵۳	ویژگی های ادبیات پست مدرنیست.....

فصل چهارم: تعریف عناصر داستانی

۵۴	عناصر داستانی.....
	۱ - پیرنگ
۵۵	تعریف پیرنگ.....
۵۵	پیرنگ منسجم.....
۵۶	تفاوت پیرنگ با داستان.....
۵۶	حوادث اصلی و فرعی.....
۵۶	اجزای اصلی پیرنگ.....
۵۶	کشمکش (جدال).....
۵۷	تعلیق (هول و ولا).....
۵۷	انواع تعلیق.....
۵۷	اشکال تعلیق.....
۵۸	گره افکنی.....
۵۸	بحران.....
۵۸	نقطه ی اوج (بزنگاه).....
۵۸	گره گشایی.....
۵۹	دگرگونی (یا تعکس).....

۵۹	دسیسه
۵۹	غافل گیری
۵۹	پیرنگ فرعی
۶۰	تصویر هرمی پیرنگ
۶۰	انواع پیرنگ
۶۰	پیرنگ ساده و پیچیده
۶۰	پیرنگ باز و بسته
۶۱	اشکال مختلف پیرنگ
۲ - شخصیت و شخصیت پردازی		
۶۲	تعریف شخصیت
۶۳	اهمیت شخصیت در داستان
۶۴	ویژگی های شخصیت از دید ارسطو
۶۴	خلق شخصیت های واقعی
۶۴	عوامل مهم برای خلق شخصیت
۶۵	انواع شخصیت به طور کلی
۶۵	نحوه ی معرفی و ارائه ی شخصیت های داستانی
۶۵	شرایط تغییر و تحول شخصیت
۶۵	انواع شخصیت بر اساس میزان تأثیرگذاری در داستان
۶۶	انواع شخصیت بر اساس تحولات درونی و روحی شخصیت
۶۶	انواع شخصیت بر اساس رابطه با شخصیت اصلی
۶۷	انواع شخصیت بر اساس قابلیت تحول پذیری
۶۸	انواع شخصیت بر پایه ی انباشتگی وجوه شخصیتی
۶۹	انواع شخصیت بر اساس تقسیم بندی فورستر
۶۹	انواع شخصیت بر اساس استفاده از اندیشه یا قدرت
۷۰	مقایسه ی شخصیت اصلی با قهرمان
۷۰	رابطه ی پیرنگ با شخصیت پردازی در داستان
۳ - حقیقت ماندنی		
۷۱	تعریف حقیقت ماندنی
۷۱	حقیقت ماندنی داستان های واقع گرا
۷۲	حقیقت ماندنی داستان های وهم و خیال (فانتزی)
۷۲	حقیقت ماندنی قصه ها
۷۲	قالب داستان و تاریخ نگاری
۴ - موضوع		
۷۴	تعریف موضوع
۷۴	طبقه بندی موضوع داستان
۵ - درون مایه		
۷۷	تعریف درون مایه
۷۷	فرق درون مایه با پیام
۷۷	فرق درون مایه با موضوع
۷۸	انواع درون مایه
۷۸	نحوه ی ارائه ی درون مایه

۶- زاویه ی دید

۷۹	روایت داستان.....
۷۹	دیدگاه نظریه پردازان نسبت به راوی.....
۸۰	تعریف زاویه ی دید.....
۸۰	زاویه ی درونی و زاویه ی دید بیرونی.....
۸۰	انواع زاویه ی دید.....
۸۱	زاویه ی دید دانای کل نامحدود.....
۸۱	زاویه ی دید دانای کل محدود.....
۸۲	زاویه ی دید عینی و نمایشی.....
۸۲	زاویه ی دید «من روایتی».....
۸۳	تک گویی.....
۸۳	انواع تک گویی.....
۸۳	تک گویی درونی.....
۸۳	تک گویی نمایشی.....
۸۴	حدیث نفس یا خودگویی.....
۸۴	تفاوت حدیث نفس با تک گویی درونی و تک گویی نمایشی.....
۸۴	روایت نامه ای.....
۸۴	روایت یادداشت گونه.....
۸۴	فاصله ی هنرمندانه.....

۷- صحنه و صحنه پردازی

۸۶	تعریف صحنه.....
۸۶	اهمیت صحنه.....
۸۶	عملکردهای صحنه.....
۸۶	وظایف صحنه.....
۸۷	اجزای صحنه.....
۸۷	شیوه های صحنه پردازی.....
۸۸	زمان.....

۸- گفت و گو

۸۹	تعریف گفت و گو.....
۸۹	گفت و گو در قصه ها.....
۸۹	شیوه های گفت و گو.....
۸۹	گفت و گو در داستان.....
۹۰	گفت و گو و شخصیت.....
۹۰	نقش گفت و گو.....
۹۰	دو گونه گفت و گو.....
۹۰	مشخصات گفت و گوی خوب.....
۹۱	ویژگی های گفت و گو در شاهکارهای ادبی.....
۹۱	اشتباهات رایج در امر گفت و گو نویسی.....
۹۱	ویژگی های یک گفت و گوی خوب.....

۹- سبک یا شیوه نگارش

۹۲	تعریف سبک.....
----	----------------

۹۲.....	انواع سبک.....
۹۳.....	فرق سبک با تکنیک.....
۹۳.....	فرق سبک با مکتب.....
	مکتب های ادبی.....
۹۴.....	کلاسیسم.....
۹۴.....	نئو کلاسیسم.....
۹۵.....	رمانتیسیم.....
۹۵.....	ناتورالیسم.....
۹۵.....	اکسپرسیونیسم.....
۹۵.....	رنالیسم.....
۹۶.....	ویژگی های مکتب رنالیسم.....
۹۶.....	نثر داستانی.....
۹۶.....	نثر شاعرانه.....

۱۰ - لحن و لحن پردازی

۹۷.....	تعریف لحن.....
	۱۱ - فضا و رنگ یا فضا سازی.....
۹۹.....	تعریف فضا و رنگ.....
۹۹.....	توصیف.....

۱۲- نماد و نمادگرایی.

۱۰۰.....	تعریف نماد.....
۱۰۰.....	مکتب نمادگرایی (سمبولیسم).....
۱۰۰.....	نمادهای عمده.....
۱۰۱.....	انواع داستان های نماد گرا.....
۱۰۱.....	راه های تشخیص داستان های نمادین.....
۱۰۱.....	دلایل استفاده از نماد.....

فصل پنجم: بررسی عناصر رمان

۱۰۳.....	مشخصات رمان.....
۱۰۳.....	درباره ی نام رمان.....
۱۰۳.....	درباره ی بازنویسی رمان.....
۱۰۳.....	رنج نگارش کتاب.....
۱۰۵.....	۱ - پیرنگ رمان.....
۱۰۵.....	آغاز و پایان رمان.....
۱۰۶.....	نظر نویسنده درباره ی پیرنگ.....
۱۰۷.....	چکیده ی کتاب اول: گالان و سولماز.....
۱۱۱.....	پیرنگ اصلی کتاب اول.....
۱۱۲.....	پیرنگ فرعی کتاب اول.....
۱۱۳.....	نمودار هرمی پیرنگ اصلی و پیرنگ فرعی.....
۱۱۳.....	چکیده ی کتاب دوم : درخت مقدس.....
۱۱۷.....	چکیده ی کتاب سوم : اتحاد بزرگ.....
۱۲۰.....	پیرنگ اصلی کتاب دوم و سوم.....

۱۲۲.....	پیرنگ فرعی کتاب دوم و سوم
۱۲۳.....	نمودارهرمی پیرنگ اصلی و نمودارهای فرعی پیرنگ های فرعی
۱۲۶.....	چکیده ی کتاب چهارم: واقعیت های پر خون
۱۲۸.....	چکیده ی کتاب پنجم: حرکت از نو
۱۳۰.....	چکیده ی کتاب ششم: هرگز آرام نخواهی گرفت
۱۳۳.....	چکیده ی کتاب هفتم: هر سرانجام، سرآغازی است
۱۳۵.....	پیرنگ اصلی کتاب چهارم تا هفتم
۱۳۷.....	پیرنگ های فرعی کتاب چهارم تا هفتم
۱۳۸.....	نمودار هرمی پیرنگ اصلی و نمودارهای هرمی پیرنگ های فرعی
۱۳۹.....	سخن آخر درباره ی پیرنگ رمان

۲- شخصیت پردازی رمان

شخصیت های کتاب اول

۱۴۰.....	گلان اوجا
۱۴۴.....	سولماز
۱۴۷.....	بویان میش
۱۴۸.....	یازی اوجا
۱۵۰.....	بیوک اوچی
۱۵۲.....	باشولی حسن
۱۵۳.....	برادران گلان(کرم- تلی)
۱۵۴.....	برادران سولماز(یت میش - قاباغ - آیدین)
۱۵۵.....	پسران گلان(آق اوپلر- آفتشام گلن)
۱۵۶.....	دوستان گلان(توماج- مخدوم)
۱۵۷.....	عمو چانما
۱۵۷.....	قارتوا
۱۵۸.....	آیدین
۱۵۸.....	بایرام خان
۱۵۹.....	آنه بای
۱۶۰.....	نمودار شخصیت های کتاب اول

شخصیت های کتاب دوم تا هفتم:

۱۶۱.....	آلنی
۱۶۴.....	تناقض در شخصیت آلنی
۱۶۶.....	بزرگ نمایی شخصیت آلنی
۱۶۸.....	آلنی و دین
۱۶۹.....	شیفتگی آلنی به حضرت علی (ع)
۱۶۹.....	مارال
۱۷۳.....	پدر و مادر آلنی(آق اوپلر- ملان)
۱۷۵.....	برادران آلنی(بالاز- آت میش)
۱۷۹.....	باران نزدیک آلنی (علی محمدی - ملا قلیچ بلغای - یاشا)
۱۸۳.....	فرزندان آلنی(آبناز - تایماز - آرتا - گزل)

بستگان آلنی

۱۸۵	آفتام گلن
۱۸۶	آرباچی
۱۸۷	یاماق
۱۸۹	آلا
۱۹۰	آرتا افشاری
۱۹۰	یت میش افشاری
۱۹۰	پیروز مشرفی
۱۹۱	بویان میش
۱۹۱	آت آلان
۱۹۱	ایلکی
۱۹۱	آت میش ناری زاده
۱۹۲	بایات
۱۹۲	اوشار
۱۹۲	محمد آق اویلر
۱۹۲	ایل امان
۱۹۲	نور محمد افشاری
	زنان داستان
۱۹۲	ساجلی
۱۹۳	کعبه
۱۹۳	باغداگل
۱۹۴	کبتر
۱۹۴	الندا
۱۹۴	هانیه
۱۹۴	مارال خادم عثمان
۱۹۵	ییداغ
۱۹۵	سولدی
۱۹۵	آلما
۱۹۵	کهلک
۱۹۵	بی بی بمعنی
۱۹۵	آیناز
۱۹۵	آیدنگ
۱۹۵	آیدا
۱۹۶	هاجر
۱۹۶	بانو سپورا
۱۹۶	خدیجه
۱۹۶	آیسن ناری زاده
۱۹۶	آلتون
	بزرگان اینچه برون
۱۹۶	آی دوغدی
۱۹۷	ناری ساخلا
۱۹۸	دردی محمد

دوستان آلتی

۱۹۸.....	مهدی رمضانی.....
۱۹۸.....	سید حسین اخوان.....
۱۹۹.....	توماج توی قلی.....
۱۹۹.....	محمود پیرایه.....
۲۰۰.....	مهرداد رهسپار.....
۲۰۰.....	خسرو کردستانی.....
	پزشکان
۲۰۱.....	خدر آقلی.....
۲۰۲.....	دکتر آراسته.....
۲۰۲.....	دکتر جعفری.....
۲۰۲.....	لقمان ادهم.....
	روحانیون
۲۰۳.....	باشولی آیدین.....
۲۰۶.....	آمان جان آبایی.....
۲۰۷.....	محمد آخوند جرجانی.....
۲۰۸.....	ولی جان آخوند.....
۲۰۹.....	یارمحمد نقشینه بند.....
۲۱۰.....	نایب صوفی.....
۲۱۰.....	باشولی امان.....
	نظامیان
۲۱۰.....	گروهیان محمد ساقی.....
۲۱۱.....	سرهنگ صیرفی.....
۲۱۱.....	شهرام امجدی.....
۲۱۱.....	سرهنگ بهراد.....
۲۱۱.....	سرهنگ مولوی.....
۲۱۲.....	گروهیان قربان نیازی.....
۲۱۳.....	سرهنگ نوایی و سرگرد اسکندانی.....
۲۱۴.....	ستوان مهدی محمدی.....
۲۱۴.....	ستوان مهران امینی.....
۲۱۵.....	سرهنگ بشارتی.....
۲۱۶.....	سرگرد پرویز مستشیری.....
۲۱۶.....	حسین شریفی.....
۲۱۷.....	سرلشکر مزین.....
۲۱۷.....	تیمسار فرسیو.....
۲۱۷.....	تیمسار پاک روان.....
۲۱۷.....	تیمسار نصیری.....
۲۱۷.....	درخت مقدس.....
	افراد باشولی آیدین
۲۱۸.....	جوچی.....
۲۱۸.....	اولدوز.....

۲۱۸	یورگون
۲۱۸	آریا
۲۱۸	آسیلان
۲۱۸	آنا مراد
۲۱۸	داشلی
۲۱۸	نورمحمد و نلی
۲۱۸	خان اوغلان
	درباریان
۲۱۸	رضاخان
۲۱۸	شاه
۲۱۸	آنا بای
۲۱۸	مادر شاه
۲۱۹	ملکه و ولیعهد
	سایرین
۲۱۹	نادر ابراهیمی
۲۱۹	عراز دردی
۲۱۹	یمرلی حاج آشور
۲۲۰	عثمان تاج محمد
۲۲۰	عثمان خادم عثمان
۲۲۱	شیر محمد
۲۲۱	پدر هانیه
۲۲۱	توماج
۲۲۱	قربان محمد
۲۲۲	پالتا
۲۲۲	اغلی
۲۲۲	حاج بردی
۲۲۲	کاکوان
۲۲۲	پدرام اکبری
۲۲۲	مهرعلی بختیاری
۲۲۲	آناگلدی
۲۲۲	عثمان گلدی
۲۲۲	تاج بردی گوکلانی
۲۲۲	تای جان
۲۲۳	برادران رشیدیان
۲۲۳	منصور خدایاور
۲۲۳	نوری مخدوم
۲۲۳	محسن اسکندری
۲۲۳	شاهزاده سلیمان میرزا
۲۲۳	نمودار شخصیت های کتاب دوم تا هفتم
۲۲۳	مقایسه بین گالان و آلتی
۲۲۸	۳- زاویه ی دید رمان

۲۳۲	اشتباهات راوی
۲۳۴	گفتار و تجزیه و تحلیل های طولانی
۲۳۶	۴- عنصر گفت و گو در رمان
۲۴۱	۵- موضوع رمان
۲۴۲	۶- درون مایه رمان
۲۴۳	وحدت
۲۴۴	سیاست
۲۴۵	عشق
۲۴۶	وطن دوستی
۲۴۷	مرگ
۲۴۸	۷- حقیقت نمایی رمان
۲۴۸	حقیقت نمایی موضوع رمان
۲۵۰	حقیقت ماندنی حوادث رمان
۲۵۱	حقیقت ماندنی شخصیت
۲۵۲	۸- صحنه پردازی رمان
۲۵۲	مکان
۲۵۳	زمان
۲۵۶	ادبیات بومی و اقلیمی
۲۵۷	سیمای مردم ترکمن در رمان «آتش بدون دود»
۲۵۸	رسم های مردم ترکمن
۲۶۲	۹- سبک رمان
۲۶۲	جملات قصار
۲۶۴	تحلیل های سیاسی
۲۶۶	دین
۲۶۸	سایر ویژگی های سبکی
۲۶۸	نگاهی به اشعار کتاب
۲۶۹	نثر شعر گونه
۲۷۱	آرایه های ادبی رمان
۲۷۳	تابع اضافات
۲۷۳	تکرار
۲۷۵	کاربرد واژگان و افعال به شکلی غریب
۲۷۷	۱۰- نمادگرایی در رمان
۲۸۰	۱۱- لحن رمان
۲۸۳	۱۲- فضا و رنگ رمان
۲۸۶	نتیجه گیری کلی

فهرست منابع

فهرست اعلام

چکیده ی رمان به انگلیسی

چکیده ی پایان نامه:

پژوهش حاضر به بررسی عناصر رمان «آتش بدون دود» نوشته ی نادر ابراهیمی می پردازد. بدین منظور مطالب پژوهش در پنج فصل گنجانده شده است.

در فصل اول به شرح مختصر زندگی و فعالیت های نویسنده و معرفی آثار ابراهیمی پرداخته می شود. در فصل دوم با نگاهی کوتاه به پیشینه ی داستان نویسی به طور اعم، سعی می شود به منظور آشنایی با چگونگی پیدایش رمان در ایران، تاریخ پیدایش رمان از سال ۱۲۵۰ هجری شمسی تا زمان معاصر به صورت گذرا مرور شود.

فصل سوم به تعریف ادبیات داستانی و انواع داستان به ویژه رمان اختصاص دارد. فصل چهارم به عناصر سازنده ی رمان و تعاریف آن اختصاص یافته است که مبنای انتخاب عناصر داستانی، کتاب «عناصر داستان» آقای «جمال میر صادقی» می باشد. در فصل پنجم نیز عناصر رمان «آتش بدون دود» مورد بررسی قرار گرفته است.

طبق بررسی این پژوهش، نویسنده ی رمان هفت جلدی «آتش» ، بدون دود» در جلد اول، داستانی مستقل را روایت می کند و جلد های دوم و سوم نیز بر روی هم می تواند داستانی مستقل باشد. جلد های چهارم تا هفتم هم داستان مجزایی است که قسمت های اول و دوم آن را شخصیت های مشترک فرعی و قسمت های دوم و سوم را شخصیت های مشترک اصلی و فرعی با هم پیوند می دهد.

رمان از نظر اسلوب ، واقع گرا و از نظر ساخت ، شخصیت محور است و از نظر موضوع و محتوا رمانی اجتماعی است که در بخش هایی صبغه ی محلی و روستایی دارد و با زاویه ی دید دانای کل روایت می شود. به لحاظ بی اعتقادی نویسنده به عنصر پیرنگ، ضعف هایی در پیرنگ رمان به چشم می خورد. در قسمت درون مایه، نویسنده پیوند و اتحاد بین انسان ها و قبایل متخاصم و در مرحله ی بعد همه ی اقوام ایرانی و سیاست و عشق و ... را دست مایه ی خود قرار داده است. تحلیل های سیاسی و فلسفی و گنجاندن جملات حکیمانه در متن داستان و نثر شاعرانه و ادبی از ویژگی های بارز سبکی نویسنده است.

واژگان کلیدی: نادر ابراهیمی ، رمان « آتش بدون دود» ، عناصر داستانی ، پیرنگ ، شخصیت ، زاویه ی دید و ...

تعریف مسأله: رمان آتش بدون دود به لحاظ محتوا در حیطه ی رمان های بومی و اقلیمی و روستایی قرار می گیرد. با توجه به نوپایی داستان نویسی به ویژه رمان در ایران که چیزی حدود صد سال و اندی است، رمان آتش بدون دود نیز مسلماً دارای نقاط ضعف و قوت است. پژوهش حاضر سعی دارد پاسخ هایی کمابیش روشن برای پرسش های زیر بیابد.

۱- نقطه ی قوت رمان چیست؟

۲- ضعف های رمان مربوط به کدام بخش از عناصر داستانی است؟

۳- آیا رمان در بازتاب فرهنگ و سنن و ویژگی های محیطی و دینی و اجتماعی ترکمن ها موفق بوده است؟

۴- آیا نویسنده در پیوند زدن داستان با بخشی از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران و اشخاص حقیقی تاریخی برای

واقع نمایی داستان موفق عمل کرده است؟

هدف تحقیق: آشنایی بیشتر با ساختار اثر یک نویسنده ی معاصر به ویژه یکی از پرکارترین این نویسندگان که به خاطر نگارش، رمان «آتش، بدون دود» موفق به دریافت جایزه و عنوان نویسنده ی برگزیده ی بیست سال پس از انقلاب شده است، مهم ترین هدف پژوهش حاضر می باشد.

پیشینه ی تحقیق: درباره ی رمان «آتش، بدون دود» نقدهایی نوشته شده است. اما تحقیق جامعی درباره ی جزئیات ساختاری و عناصر آن صورت نگرفته است. البته در کتابی تحت عنوان «بازتاب» نوشته ی احمد شاکری که مجموعه ای در نقد چند رمان می باشد به نسبت بیشتر از مقالات و اشارات به بررسی کتاب پرداخته شده است، کتاب هایی نظیر «صد سال داستان نویسی» و «بررسی داستان امروز» نیز آثار ابراهیمی را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده اند.

روش کار تحقیق: روش کار و تحقیق در این رساله، روش معمول در رشته ی ادبیات فارسی کیفی و تحلیلی است؛ به این صورت که در ابتدا، پس از مطالعه ی منابع گوناگون اعم از کتاب و مقاله در مورد قالب رمان و تاریخ رمان نویسی و خود رمان «آتش، بدون دود» و آثار دیگر نویسنده، موضوعات مربوط، استخراج و در فیش های جداگانه یادداشت شد. در نهایت با توجه به تعاریف، عناصر رمان «آتش، بدون دود» بررسی گردید.

مقدمه

تا پیش از دوره ی مشروطه نظام ادبی سنتی ایران بر شعر به خصوص شعر کلاسیک مبتنی بر عروض و قافیه بنا نهاده شده بود و نثر صورتی کاملاً حاشیه ای و فرعی داشت.

در صورت به کارگیری نثر نیز آن را با اشعار متعددی می آراستند و بدون این ارزش بخشی شاعرانه نثر فارسی از نظر زیبایی شناختی شیوه ی بیانی مناسبی محسوب نمی شد. «نثر نویسی فنی وابسته یعنی یک وسیله به شمار می آمد برای عرضه ی آموزه های اخلاقی و معارف حکمی و از این قبیل... و اگر در ضمن کار حکایتی می آمد بیشتر به قصد روشنگری موضوع بود، تا حکمتی کلی یا ایقانی شخصی را برای خواننده (شنونده) فهمیدنی تر سازد. از این قبیل است بیشتر قصه های کلیله و دمنه و گلستان و ... که بیشتر به مثابه ی تمثیلاتی در توضیح نظریه ای خاص به کار رفته است... و بر عکس در شعر، از آنجا که این ملت شعر دوست آن را فی نفسه هنری روحانی و عالی می شناخت، بهترین داستان های ایرانی، حکایات شاهنامه، ویس و رامین، هفت پیکر و خسرو و شیرین نظامی و برخی قصص عطار و مولوی به زبان شعر بیان شده است و شاعران، شعر را برای نمایش هنر داستان گوئی خویش به کار گرفته اند.»^۱

در پی تحولات اجتماعی ایران در آستانه ی مشروطه و آشنایی با ادبیات غربی و ترجمه ی آثار غربی، ادبیاتی پدید می آید که نه تنها در انحصار شعر نیست بلکه تحت تأثیر پدایش و شکوفایی نثر است؛ نثری که در گذشته فقط برای نگارش کتاب های تاریخی یا اخلاقی و فلسفی به کار می رفت، بعد از آن در تمامی زمینه های زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کاربرد می یابد و بازتاب تغییر و تحولات جامعه می شود. مردم با قوانین شعر سنتی مانوس بودند و قادر نبودند تغییرات ریشه ای را سریعاً بپذیرند حال آن که نثر دارای شیوه و سنتی نبود تا مردم در صدد حفظ آن برآید. از این روی آمادگی بیشتری برای پذیرش و بازتاب تغییرات داشت.

در کتاب «پدایش رمان» درباره ی قابلیت پذیرش انواع ادبی جدید توسط نثر آمده است:

«نظم بر اساس سنت در مرکز نظام ادبی و نثر در حاشیه ی آن قرار دارد نثر به علت موقعیت حاشیه ای و ثانویه اش قابلیت گشایش به روی شکل های ادبی دیگر و پذیرفتن نظام های دیگر را دارا بود. شعر به علت استقرار در پایگاه مرکزی و موقعیت باستانی اش قادر نبود که به قول «برمن» با تجربه ای غریبه روبرو گردد. شعر چون در وجود خود کمبودی نمی دید هیچ نیازی نداشت که در جای دیگری به غیر از وجود خودش به جستجوی عناصر جدید بپردازد.

به عبارت دیگر، نظام نثر ضعیف تر و نظام شعر قوی تر و در نتیجه در برابر تغییرات مقاوم تر بود. واکنش شدیدی که به دنبال نیما یوشیج در اطراف شعر نو پدید آمد به همین دلیل بود در حالی که نثر نوین هرگز چنین واکنش شدیدی را در پی نداشت. بلکه بر عکس چونان اقبال بلندی برای ادبیات فارسی مورد استقبال قرار گرفت.»^۲

تحولات فکری و فلسفی غرب به ویژه فلاسفه ای چون دکارت که عزم راسخ داشت هیچ چیز را جز برپایه ی یقین نپذیرد، از یک سو و تغییرات ساختارهای اجتماعی که قدرت را از دست زمین داران بزرگ گرفت و باعث قدرت یافتن طبقه ی متوسط شد از سوی دیگر، باعث تغییر جهان بینی غربیان و در پی آن توکد رمان شد.

هر چند داستان پردازی در فرهنگ و ادب ایران سابقه ای طولانی داشت اما رمان با این شکل و ساختار در پی تحولات اجتماعی ایران در آستانه ی مشروطه و تحت تأثیر ادبیات غربی و ترجمه های آثار داستانی غرب به وجود آمد و در مدت کوتاهی به یکی از انواع غالب و مسلط ادبی مبدل گشت. اما رمان توانست این موقعیت را حفظ کند و با وجود این که پیش از داستان کوتاه مسیرش را به ادبیات ایران گشوده بود در مقایسه با داستان کوتاه موفق نشد شاهکارهایی واقعی به ادبیات

^۱ - سپانلو، ص ۸

^۲ - بالای، صص ۵۵۷-۵۵۶

عرضه کند. برخی این امر را مربوط به خصوصیات رمان می دانند و برخی دیگر به تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران ربط می دهند.

«رمان نویسی در ایران رونق و رواج زیاد نیافت و مؤلفین ایران مدت ها نتوانستند در این رشته ی ادبی آثار بدیعی به وجود آورند. آنچه نوشته شده بود به دست فراموشی سپرده شد و آنچه بعدها نوشته شد ... ارزش هنری زیادی ندارد. گویی نویسندگان حوصله ی به وجود آوردن رمان های بزرگ را نداشتند یا خوانندگان از چنین داستان هایی که خواندن آنها وقت و فرصت زیادی می خواست، چندان استقبال نکردند. شاید هم ترجمه ی رمان های خارجی بازار تألیف را از رونق انداخته باشد. هر چه بود نویسندگان بیشتر به داستان های کوتاه پرداختند و در این رشته آثار نسبتاً مهمی به وجود آوردند.»^۱

جمال میرصادقی علت کندی پیشرفت رمان را نیاز رمان به جامعه ای باز می داند و معتقد است در جامعه ی بسته ای چون ایران رمان کمتر می توانسته رشد و نما کند. او می نویسد:

«رمان به آزادی و دموکراسی نیاز دارد تا رشد کند، این که بعد از انقلاب داستان نویسان به رمان رو آورده اند و رمان زیاد نوشته می شود ریشه در همین تحولات اجتماعی و سیاسی دارد.»^۲

هرچند داستان کوتاه با وجود ظهور دیر هنگام توانست شکلی هم گون تر در ادبیات فارسی بیابد و موفق تر شود اما از دید کریستف بالایی نویسنده ی «پیدایش رمان نویسی» «در تحول نهایی این دو، پدیده ای معکوس مشاهده می شود. و هرچه تاریخ ادبیات به پیش می رود به نظر می رسد که داستان کوتاه از نفس افتاده اما رمان با انعطاف بیشتری توانسته است خود را همراه با خیزابه های تاریخ به جلو براند.»^۳

وحدت عناصر داستانی وحدتی است که یک داستان موفق را تنها به اعتبار آن می توان شناخت. استحکام و انسجام نسبی در داستان در مقابل ذهن آسان پسند و متفطن خواننده ی علاقمند ما که صرفاً به قصد سرگرمی و وقت گذرانی داستان می خواند، مقاومت می کند و لاجرم خواننده ی مشتاق پیش از آن که محو داستان شود به تدریج و رفته رفته در طول داستان به یافتن آن جوهر انسانی و جهانی دست می یابد. حال آن که «در جهانی که تنها داستان نویس را به عنوان «نویسنده» می شناسند هنوز آثار نویسندگان در محافل و مراکز علمی ما راه نیافته غافل از این که، ایران و ایرانی معاصر را در صدسال اخیر، با همه ی ابعاد انسانی و روابط اجتماعی اش در قشور و سطوح مختلف جز در کتاب های داستانی امروز نمی توان شناخت.»^۴

در این رساله سعی شده است برای دستیابی به اهداف فرا روی، مطالب در پنج فصل گنجانده شود. در فصل اول به شرح مختصر زندگی و فعالیت های نویسنده پرداخته می شود. هم چنین آثاری را که ابراهیمی برای کودکان و بزرگسالان نوشته معرفی می شود. در فصل دوم با نگاهی کوتاه به پیشینه ی داستان نویسی به منظور آشنایی با چگونگی پیدایش رمان در ایران، تاریخ پیدایش رمان از سال ۱۲۵۰ هجری شمسی تا زمان معاصر به صورت گذرا مرور شود. مطالب فصل دوم سعی شده است به جهت مستند بودن پیشینه ی داستان نویسی عیناً از منابع نقل شود.

در فصل سوم به درباره ی ادبیات داستانی و انواع داستان به ویژه رمان صحبت می شود. که به جهت ماهیت تعریفی اش از نقل قول بیشتری استفاده شده است. فصل چهارم درباره ی عناصر سازنده ی رمان و تعاریف آن است که کتاب عناصر

^۱ - آرزین پور، ج ۲، ص ۲۷۸

^۲ - میرصادقی، مقاله ی ادبیات دلسوز

^۳ - بالایی، ص ۵۶۰

^۴ - حقوقی، ص ۶۵